

مرجعیت سیاسی در عصر غیبت

مقدمه:

ریشه‌ی رجوع به علما در عصر غیبت، به دوران حضور ائمه در بین مردم برمی‌گردد؛ بنابراین برای بررسی سیر مرجعیت و رجوع به علما، ابتدا باید تاریخ اهل‌بیت بررسی شود.

تاریخ اهل‌بیت:

❖ اهل‌بیت؛ واسطه‌ی هدایت

اراده الهی و حکمت خداوند مبتنی بر این بود که هدایت به واسطه‌ی اهل‌بیت صورت پذیرد، و این موضوع، موتور محرک هستی و خلقت شد.

هدایت‌گری اهل‌بیت مخصوص انسان‌ها نیست و حتی ملائک به واسطه‌ی ایشان تعلیم دیده‌اند. رسول الله در این باره می‌فرماید: «ما تسبیح گفتیم، آنها (ملائک) نیز با ما تسبیح گفتند؛ تهلیل و تکبیر گفتیم، آنها نیز گفتند.» (کمال الدین، ص ۱۸۴)

در ماجرای سجده‌ی ملائک بر آدم، خود حضرت آدم موضوعیت ندارد؛ بلکه بحث بر سر تبعیت از اهل‌بیت است که اراده‌ی خداوند بر این بود که نور اهل‌بیت را در صلب آدم قرار دهد.

به ملائکه‌ای که تمام کارهای هستی، به فرمان الهی، به وسیله‌ی ایشان انجام می‌شود، دستور داده شد که از اهل‌بیت فرمان بگیرند؛ و طبق فرمایش امام صادق، به جز «خدایی»؛ هر آنچه به فرمان خداوند انجام می‌شود، به اذن خدا به فرمان اهل‌بیت نیز انجام می‌شود.

بنابراین رسیدن به مقام و جایگاه اهل‌بیت امکان‌پذیر نیست. برخی از انبیاء (حضرت آدم و حضرت یونس) تصور می‌کردند می‌توانند به این جایگاه نزدیک شوند اما مورد غضب الهی قرار گرفتند.

❖ حضور اهل‌بیت در بین اعراب جاهلی

۱۴۰۰ سال پیش، مناطق مرکزی شبه جزیره عربستان، به گونه‌ای بود که هیچ‌کدام از تمدن‌های آن زمان (ایرانیان، مصریان و رومیان) تمایلی به تصرف آن سرزمین نداشتند. در آن مناطق هیچ اثری از تمدن دیده نمی‌شد و مردم در اوج بدویت و جهل زندگی می‌کردند و تنها نشانه‌ی تمدن آنجا، دو شهر مکه و مدینه بود.

اراده‌ی الهی بر این قرار گرفت که اهل‌بیت، با آن شأن و جایگاه، در چنین سرزمینی متولد شوند. در زمانی که اعراب جاهلی، دختران را زنده به گور می‌کردند، خداوند کثرتی را که به حضرت ابراهیم وعده داده بود، به واسطه‌ی حضرت زهرا در نسل رسول الله قرار داد. به راستی اعراب جاهلی چه فهمی از اهل‌بیت داشتند؟!

❖ فهم مردم از امامت در صدر اسلام

✓ عصمت امام:

در صدر اسلام (از بعثت پیامبر تا سال ۶۱ هجری)، نه فقط در شبه جزیره عربستان، بلکه در کل جهان اسلام؛ ۲۰۰ نفر پیدا نمی‌شدند که به عصمت اهل‌بیت اعتقاد داشته باشند. حتی برخی از یاران و نزدیکان اهل‌بیت، عصمت ایشان را قبول نداشتند و برای ایشان فقط جایگاه مرجعیت دینی قائل بودند. زمانی که امیرالمومنین به خلافت می‌رسند و قصد عزل معاویه را دارند، عبدالله بن عباس، ایشان را نصیحت می‌کند و این کار حضرت را دور از سیاست می‌داند. عبدالله بن عباس، امام حسن مجتبی را نیز نصیحت می‌کرد و می‌گفت خطاهای پدرت را تکرار نکن.

ماجرای عاشورا، قبل از فتوای قاضی شریح، با فتوای عبدالله بن عمر رقم خورد؛ آنجا که معتقد بود اباعبدالله خطا کرده و نباید خروج می‌کرد و نتیجه‌ی فتوای او، این شد که بیش از ۷۰ نفر با اباعبدالله بیعت نکردند. این در حالیست که سال بعد از واقعه‌ی عاشورا، عبدالله بن حنظله (غسیل الملائکه) علیه یزید قیام می‌کند و ۱۰ هزار نفر فقط در شهر مدینه با او بیعت می‌کنند.

✓ علم امام:

مسلمانان صدر اسلام، نه فقط اهل‌بیت را معصوم از خطا نمی‌دانستن، بلکه حتی برای ایشان علم غیب قائل نبوده‌اند.

امیرالمومنین برای اینکه علم غیب خود را نشان دهند و به مردم بفهمانند که با خلفای قبلی فرق دارند، در مسائل بسیاری پیشگویی می‌کردند.

علاوه بر عدم درک صحیح مردم از امامت، تبلیغات منفی بسیاری نیز توسط دستگاه حاکم، بر علیه اهل‌بیت انجام می‌شد. دستور حکومتی بود که امیرالمومنین بر ۷۰ هزار منبر لعن شود. با این حجم از تبلیغات منفی، هیچ‌کس سراغ اهل‌بیت نمی‌رفت و کسانی هم که نزدیکان ائمه به حساب می‌آمدند، فهم درستی از جایگاه ایشان نداشتند.

❖ سیر تکاملی فهم مردم نسبت به امام

سیر تحول شیعه از زمان امیرالمومنین تا امام حسن عسکری و از آن زمان تا حال حاضر، کاملاً مشهود است و نگاه مردم به ائمه، تغییرات چشم‌گیری داشته است. این تحول را می‌توان در ادبیات و نوع بیان

مطالب در زیارت‌نامه‌های ائمه مشاهده کرد.

هنگامی که خبر شهادت امیرالمومنین در مسجد کوفه به گوش مردم رسید، عده‌ای می‌گفتند علی در مسجد چه می‌کرد؟ مگر او نماز می‌خواند؟ بنابراین در زیارت‌نامه‌های ابتدایی اهل‌بیت، شهادت می‌دهیم که ائمه نماز می‌خواندند، زکات می‌پرداختند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند: **«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»** (زیارت امام حسین علیه السلام)

نگاه شیعه به جایگاه ائمه تا جایی رشد می‌کند که در زیارت‌نامه‌های پایانی، فعل اهل‌بیت، به عنوان «معروف» معرفی می‌شود: **«وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ»** (زیارت آل‌یس)
معارفی که در زیارت «جامعه کبیره» به ما رسیده است، در زمان امام صادق در جلسات خصوصی مطرح می‌شد؛ زیرا هنوز جامعه آماده‌ی پذیرش این معارف نبود.

امام صادق هنگامی که بر منصور دوانیقی وارد می‌شدند، برای او از لفظ «امیرالمومنین» استفاده می‌کردند؛ در غیر این صورت جانشان در خطر بود و ایشان مجبور به تقیه بودند.

تقیه یعنی هنوز جامعه‌ی مومنین آماده نیستند!

❖ شروع تربیت شیعه

در شرایطی که مردم فهمی از جایگاه امام ندارند و پیکر مطهر امام حسن را تیرباران می‌کنند و اباعبدالله و یارانش را به شهادت می‌رسانند، اهل‌بیت تربیت شیعیان را آغاز می‌کنند.

• نجات شیعه از سقوط:

امام سجاد در زمینه‌ی تربیت شیعه، نقش کلیدی داشتند. زمانی که جامعه‌ی شیعی در حال سقوط و نابودی بود، امام سجاد نمودار را برگردانند و شیعیان بسیاری تربیت کردند. ایشان ۲۰ هزار برده خریدند، آنها را تربیت کردند و سپس آزاد کردند. این افراد پس از آزادی به مناطق مختلف سفر می‌کردند و به تبلیغ تشیع می‌پرداختند.

علم بالای این افراد، مورد توجه مردم قرار گرفت و چون این افراد خود را شاگرد امام سجاد معرفی می‌کردند، مردم زیادی از دور و نزدیک، برای بهره‌مندی از این سرچشمه‌های علم، خود را به پای منبر امام باقر و امام صادق می‌رساندند.

• دوران بروز علمی اهل‌بیت:

دوران حیات امام صادق، فرصت بروز علمی برای اهل‌بیت ایجاد شد. از هر ۷ حدیثی که به ما رسیده است، ۶ حدیث از امام صادق نقل شده است. بسیاری از تحریف‌هایی که بعد از رسول الله، توسط خلفا در اسلام ایجاد شده بود، توسط امام صادق پاسخ داده شد و از بین رفت.

❖ احساس خطر دستگاه حکومتی

جمعیت شیعیان روز به روز بیشتر می‌شد و اهل بیت دیگر محل رجوع مردم (شیعه و سنی) شده بودند؛ بنابراین هنگامی که هارون الرشید؛ که بزرگترین امپراطوری اسلامی، در زمان این خلیفه‌ی عباسی بود؛ از امام کاظم خواست حدود فدک را مشخص کنند تا فدک را به ایشان بازگرداند، حضرت دیگر تقیه نمی‌کنند و از نیل تا جیحون (کل حکومت هارون) را حدود فدک اعلام می‌کنند. این امر باعث شد دستگاه حاکم احساس خطر کند و امام کاظم را به زندان بفرستد.

افزایش جمعیت شیعه و پراکندگی آنها در سرزمین‌های اسلامی، باعث می‌شود که امام رضا در نیشابور در مقابل ۶۰ هزار نفر، ولایت امیرالمومنین را حصنی در برابر عذاب الهی معرفی کنند و اعلام علنی امامت از زمان امام رضا شروع می‌شود.

در این شرایط دیگر نمی‌شد مانند زمان اباعبدالله، امام را علنی به شهادت رساند؛ و تنها چاره‌ی دستگاه حاکم، به شهادت رساندن در خفا و حصر ائمه بود؛ بنابراین امام جواد در حرمسرا بزرگ می‌شوند، امام هادی از ۵ سالگی زندانی می‌شوند و امام حسن عسکری کاملاً در زندان به سر می‌برند. حکومت علاوه بر تحت فشار قرار دادن اهل بیت، با شیعیان نیز برخورد می‌کرد. امام صادق برای حفظ جان شیعیانشان، گاهی در جلسات عمومی، یاران خاص خود را لعن می‌کردند تا حکومت را گمراه کنند. در زمان امام حسن عسکری که فشار دستگاه حاکم بیشتر بود، حضرت فرموده بودند که اگر شیعیان در خیابان ایشان را دیدند، به حضرت اشاره نکنند؛ زیرا این عمل به معنای شناخت ایشان بود و برخورد سخت حکومت را در پی داشت.

❖ آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت

با توجه به شرایط امنیتی حاکم، اهل بیت، شیعیان را برای دوران غیبت و ندیدن امام آماده کردند. امام هادی عمداً از پشت پرده با افرادی که به دیدار ایشان می‌آمدند، صحبت می‌کردند. دیگر شیعیان نمی‌توانستند مستقیم به دیدار امام بروند و ارتباط با امام از طریق وکلا صورت می‌گرفت. وکلا نیز ارتباط دائمی نداشتند و مدت‌ها منتظر می‌ماندند تا بتوانند دقایقی امام را ببینند. حکومت تلاش می‌کرد که مانع همین ارتباط محدود شیعیان با ائمه شود و بدین منظور، تعداد جاسوس‌ها برای وکلا و ائمه را بیشتر می‌کرد؛ تا جایی که جعفر (برادر امام حسن عسکری) که در خانه‌ی امام رفت و آمد داشت، جاسوس حکومت بود.

❖ شبکه وکالت

شناخت جایگاه امامت و فهم نیاز به امام به سادگی ایجاد نشده است و شروع کننده‌ی این جریان، خود اهل بیت بودند و تربیت محتوایی و ساختاری شیعیان را به دست گرفتند و بدین منظور، شبکه وکالت را

به وجود آوردند.

شروع این شبکه‌سازی در زمان امام سجاد است و ایشان بنیان‌گذار شبکه‌های پنهان و سری هستند، اما ساختار جدی و بالغ این شبکه، در زمان امام هادی شکل می‌گیرد.

ساختار این شبکه به گونه‌ای بود که شیعیان دیگر اجازه نداشتند به دیدار ائمه بروند و ارتباط با امام فقط از طریق وکلا صورت می‌پذیرفت. علاوه بر این، تمام این وکلا نیز در ارتباط مستقیم با ائمه نبودند و فقط تعداد محدودی که از لحاظ امنیتی، امکان ارتباط برای آنها فراهم بود، به ملاقات حضرات می‌رفتند. سایر وکلا فقط از طریق این سرشبکه‌ها می‌توانستند سوالات خود را از ائمه بپرسند و وجوهات را بپردازند. با گذشت زمان، دیگر وکلا برای پاسخ به تمام سوالات به ائمه مراجعه نمی‌کردند و بسیاری از سوالات که مربوط به احکام دین بود را خود پاسخ می‌دادند.

اهل بیت برای حفظ این ساختار، با کوچکترین تعرض نسبت به این شبکه، برخورد جدی می‌کردند. اگر کسی به جای رجوع به وکیل منطقه‌ی خود، به سراغ امام می‌رفت، به او اجازه‌ی ملاقات داده نمی‌شد. در مقابل، دستگاه حکومتی سعی در نفوذ به این شبکه را داشت. علاوه بر این، وکلا معصوم نبودند و در بعضی موارد به انحراف کشیده می‌شدند؛ تا جایی که موسس فرقه‌ی واقفیه، یکی از وکلای امام کاظم بوده است و برای اینکه وجوهاتی که جمع‌آوری کرده را به امام رضا ندهد، منکر امامت ایشان شد.

عصر غیبت و مرجعیت:

با شکل‌گیری شبکه وکالت، شیعیان به تدریج برای یک شبکه‌ی فقهاتی آماده شدند؛ فقهایی که معصوم نبودند و الزاماً با امام ارتباطی نداشتند.

با آغاز عصر غیبت، ارتباط با امام زمان از طریق ۴ نایب خاص ایشان انجام می‌پذیرد و بعد از این افراد، به سفارش امام زمان، مسئولیت به طور کامل به دست فقها می‌افتد: **«...و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم و أنا حجة الله عليهم»** (توقیع امام زمان به اسحاق بن یعقوب)

❖ عصر اخباری‌گری

عدم دسترسی به اهل بیت، باعث می‌شود که فقها اقدام به جمع‌آوری احادیث کنند و عصر اخباری‌گری شیعی آغاز می‌شود و فقها صرفاً به جمع‌آوری اخبار می‌پردازند.

جمع‌آوری اخبار کار ساده‌ای نبوده است. نوشتن روی پوست و تهیه کتاب، بسیار سخت بوده و علاوه بر این، اگر حکومت به این کتابها دسترسی پیدا می‌کردند، آنها را نابود می‌کردند و نویسنده‌ی کتاب را به بدترین شکل ممکن می‌کشتند.

روایاتی که امروزه به راحتی در دسترس ما قرار دارد، نتیجه‌ی تلاش‌های شیعیان در جمع‌آوری اخبار است.

❖ عصر اصولی‌گری و تبویب

با اتمام جمع‌آوری اخبار، فقها اقدام به دسته‌بندی اخبار کردند که با این کار به علت اولیه صدور فتاوا پی ببرند و این‌چنین عصر تبویب (باب باب کردن) و اصولی‌گری شیعه آغاز شد.

در دوره‌ی اصولی‌گری، شیعه به دنبال فهم این است که در عصری که مسائل جدیدی به وجود می‌آید و به اهل بیت دسترسی ندارد، باید چه کند؟

فقهای بزرگی مانند «سید مرتضی» پایه‌گذار اصولی‌گری در فقه شیعه هستند که این امر باعث پویایی فقه شیعه شده است.

❖ حضور فقها در زندگی مردم

در عصر صفویه، فقها در تمام ابعاد زندگی مردم حضور داشتند؛ از تولد تا مرگ. تمام علوم (نجوم، ریاضی و...) در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شد، اقتصاد مردم (خمس و زکات) به نظر علما گره خورده بود و بحث امنیتی (فتوای جنگ) نیز در دست فقها بود.

در عصر قاجار، دشمنی که متوجه نفوذ فقها در بین مردم شده است، وارد عمل می‌شود و تک‌تک حوزه‌های تحت نفوذ فقها را، از ایشان می‌گیرد.

با فتوای توتون و تنباکو، فقها دوباره حوزه‌ی علمی و فقه‌ای را به دست می‌گیرند و این فتوا در آذر ماه سال ۱۲۷۰، آغاز انقلابی است که در سال ۱۳۵۷ برای اولین بار در تاریخ شیعی، به تشکیل حکومت اسلامی به رهبری یک فقیه می‌انجامد.

آنچه امروز در دستان ماست، نتیجه‌ی مجاهدت‌ها و خونِ دل خوردن‌های شیعیانی است که سال‌ها برای حفظ سیره‌ی اهل بیت تلاش کردند و خون دادند...

تدریس استاد رائفی‌پور

موضوع: مرجعیت سیاسی در عصر غیبت

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مصاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.mahdian.com)